

مقاصد شریعت و تطبیق آن با موضوع قاچاق کالا و ارز

وریا حفیدی^۱

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان vhafidi@yahoo.com

چکیده

«مقا صد شریعت» بیان غایت‌مندی شریعت در قانونگذاری و تشریع احکام می‌باشد و از علومی است که از صدر اسلام مورد پذیرش همه مسلمانان قرار داشته و بر اساس آن متون دینی تفسیر شده‌اند. هر چند در امکان و چگونگی شناخت مقاصد شریعت، اختلاف رأی وجود دارد؛ با این وصف، جمهور فقهاء مقاصد شریعت را - با تکیه بر نصوص - در سه دسته ضروریات، حاجیات و تحسینیات بررسی کرده و قوانینی که برای تحقق آنها تشریع شده است را، مکملات نامیده‌اند. این دسته‌بندی غایت‌مدارانه در فقه اسلامی، به فقیه کمک می‌کند تا در استنباط قوانین و بیان احکام شرعی، همواره اولویت‌ها و اهداف کلی شارع را در نظر بگیرد و در تطبیق عملی فقه اسلامی، به ویژه بیان احکام مسائل مستحدث، غایبات شرعی را مد نظر قرار دهد.

«قاچاق» در دوران کنونی به یکی از معضلات جامعه تبدیل شده و آسیب‌های متعددی را بر پیکر جامعه وارد نمود است. در قانون ایران نیز مجازات‌های متفاوتی برای مبارزه با انواع قاچاق در نظر گرفته شده تا شدت مجازات‌ها، زمینه اجتناب از ارتکاب آنها را فراهم سازد. از نگاه مقاصد شریعت قاچاق انسان، مشویبات الکلی، مواد مخدر و افیونی به دلیل تعارض با ضروریات ممنوع بوده و قاچاق اسلحه، ارز، آثار ملی و آثار باستانی را، می‌توان برای دفاع از امنیت، ارزش و هویت تاریخی و ثروت‌های ملی با استناد به حاجیات ممنوع اعلام کرد. با هدف حفظ استقلال و دفاع از تولید داخلی که از تحسینیات یک جامعه مستقل و ایده آل می‌باشد، نیز می‌توان قاچاق سایر کالاهای لوازم را ممنوع اعلام نمود و با وضع قوانینی متناسب، زمینه نیل به اهداف و مقاصد را هموار نمود.

واژگان کلیدی: مقاصد شریعت، قاچاق، قاچاق کالا و ارز.

۱. مقدمه

جهان بینی اسلامی، به عنوان آخرین و کامل ترین شریعت الهی، برنامه‌ای جامع برای رشد فردی و اجتماعی انسان ارائه کرده است که فهم و رعایت صحیح آن موجب بالندگی و رشد همه جانبه می‌گردد هر چند که در پاره‌ای از موارد، تشریع اسلامی به بیان کلیات و ضوابط کلی اکتفاء کرده است، اما فهم کلیات و ضوابط اجمالی شریعت می‌تواند انسان را در استنباط مسائل جدید و مشکلات نوظهور جامعه یاری رساند.

بدیهی است که تشریع جزئی در همه امور جامعه، با توجه به تنوع و تعدد مسائل، به ویژه با در نظر گرفتن امور مستحدث، امری خالی از حکمت بوده که حفظ آن تو سط مسلمان صدر اول را متعذر می‌نمود. چون اگر شارع متکفل بیان همه جزئیات می‌گشت، لازمه آن ذکر احکام مسائلی بود که در زمان حیات پیامبر (ص) حادث نشده بود که این امر عبث و خلاف حکمت به نظر می‌رسد. از سوی دیگر خداوند حکیم به انسان موهبت عقل اعطاء نموده است که با جولان خرد در عرصه الفاظ و متون، بتواند به تناسب شرایط و اوضاع مختلف، در امور تصمیم گیری کرده و با استمداد و استناره عقل از شرع، احکام امور مستحدث را با در نظر گرفتن غایبات تشریع استنباط نماید.

بر این اساس، اگر خداوند احکام همه جزئیات را بیان می‌نمود، موهبت عقل در این عرصه معطل شده و این استعداد عظیم که ممیزه انسان از دیگر موجودات است، به فراموشی سپرده می‌شود. در نظر گرفتن این دو عامل، توضیح مناسی برای ذکر کلیات برخی از احکام و پرهیز از تفصیل آنها را بیان می‌دارد.

استنباط احکام فقهی جدید و بیان موضع اسلام در عرصه عمل باید با تکیه بر نصوص و دلایل فقهی انجام گیرد، چون در غیر این صورت، هر فردی در پوشش اجتهاد به ارائه نظریاتی می‌پردازد که شاید نتوان انتهای آنها به اسلام را پذیرفت؛ از این رو اصولیان و فقهاء از دیر باز، اصول و ضوابط تفسیر فهم متون را به دقت و با ریز بینی، مورد مذاقه و باز بینی قرار داده و اصول فهم، تفسیر استنباط احکام را در قالب

ا صول فقه تدوین نموده تا از هرج و مرج در احکام جلوگیری نمایند. از سوی دیگر،
وقوف در حد الفاظ و اهتمام به عبارات بدون نگاه کردن به روح شریعت امکان دارد
در تطبیق عملی احکام فقهی، اخلال ایجاد کند و به علت غفلت فقیه از اولویات و
غایات تشریع و محدود بودن در عبارات، مجتهده نتواند در بیان احکام حکمت لازم را
به کار بینند؛ بنابراین، در کنار علم الفاظ در اصول فقه، برای رفع این احتمال،
دانشمندان از قرن پنجم به بعد به تدوین و تنظیم مقاصد شریعت اقدام نموده تا نص
گرایی موجب انحراف در اجتهاد نگردد و در واقع تعامل سازنده اصول و قواعد الفاظ
با علم مقاصد شریعت که به غایات نظر دارد، مجتهدهان را در بیان حکم مسائل جدید
یاری می‌رساند.

از مسائل نوییدا در جامعه اسلامی «قاچاق» می‌باشد که در دوران قدیم به دلیل عدم
نیاز به کنترل واردات و صادرات کالا در فقه اسلامی مورد بحث قرار نگرفته و قواعد
کلی در باب معاملات در مورد این کالاها اعمال می‌گشت. با تغییر جوامع و شکل‌گیری
مرزهای سیاسی به معنای جدید و کنترل ورود و خروج و شکل‌گیری گمرک، مسئله
واردات و صادرات نیز با مفهوم و رویکرد جدید همراه گشته که ضرورت بازنگری در
این حوزه و بیان احکام مسائل مربوط به واردات غیرقانونی کالا را بیش از پیش توجیه
می‌کند.

با در نظر گرفتن مقدمات فوق این سوال مطرح می‌شود که با تکیه بر مقاصد و
اهداف اسلام در تشریع، چه مبانی و راهکارهایی نسبت به پدیده قاچاق کالا در اسلام
وجود دارد و مقاصد شریعت چگونه می‌تواند در برخورد با این معضل راهگشا باشد؟
برای پاسخ به این سوال لازم است ابتدا به صورت مختصر به تبیین مفهوم مقاصد
شریعت و چارچوب‌های آن و سپس به بیان انواع قاچاق و شیوه برخورد با آن در
قانون ایران پرداخته و در پایان با تطبیق مبانی مقاصد شریعت به بیان رویکرد فقه
اسلامی به این معضل اجتماعی پرداخت.

۲. مقاصد شریعت

مقاصد شریعت^۱ ترکیبی اضافی است و از دو واژه «مقاصد» و «شریعت» تشکیل شده است. «مقاصد» جمع «قصد» مصدر میمی و اسم مکان از فعل «قصد» میباشد (فیومی، بی‌تا، ۵۰۴ / ۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۶۴۲ / ۵). این ریشه در زبان عربی به معانی مختلفی به کار رفته است. معانی مختلف این واژه عبارتند از:

— خواستن و طلب چیزی و تلاش برای رسیدن بدان. زمانیکه گفته میشود: «قصدتُه» به معنای خواستن و تلاش برای رسیدن به آن بوده و این معنا، معنای اصلی و حقیقی ماده «قصد» میباشد (فیومی، بی‌تا، ۵۰۴ / ۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۳۲۷ / ۱؛ همو، بی‌تا، ۲۷۱ / ۴).

— اعتدال و پرهیز از افراط در کارها، چنانکه در آیه «وَأَفْصِدِ فِي مَشِيكٍ» (لقمان/۱۹) به معنای اعتدال در راه رفتن میباشد.

— نزدیکی و قرب، چنانکه در آیه «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَ سَفَرًا قَاصِدًا لَا تَبْغُوكَ» (التوبه/۴۲) به معنای سفر نزدیک میباشد.

— استقامت در کارها و شکستن و گذشتن از موانع و ... (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۹۵ / ۵ - ۹۶؛ زبیدی، بی‌تا، ۴۶۶ / ۲؛ فراهیدی، بی‌تا، ۵۴ / ۵).

لازم به ذکر است معانی مجازی و ثانویه ماده «قصد» با معنای حقیقی آن قابل جمع بوده و لازمه طلب چیزی، رعایت اعتدال و در نتیجه نزدیک شدن و گذشتن از موانع میباشد.

واژه «شریعت» از ماده «شرع» به معنای مکانی است که دارای مسیر آب و خاستگاه مشخص میباشد (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۲۶۲ / ۳). این واژه در اصل به سرچشم آب و



آبשخور حیوانات و سپس بر دین و قوانین الهی اطلاق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۷۴/۸؛ جوهری، ۱۴۰۷، ۱۲۳۶/۳؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹، ۴۶۰/۲). به نظر می‌رسد اطلاق

«شریعت» بر قوانین الهی از باب مشخص بودن ضوابط شریعت بوده و بدان سبب که قوانین الهی، روح زندگی سالم را در جامعه می‌دمد و همچون آب که در کالبد موجودات موجب حیات می‌شود، در اجتماع روح حیات می‌دمد، بدان اطلاق شده است. شریعت در اصطلاح به مجموعه قوانین و ضوابطی گفته می‌شود که از جانب خداوند بیان گردیده و عقاید و اعمال انسان را تبیین می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۱۹/۳۰۶). شایان ذکر است برخی شریعت را اطاعت و التزام به فرامین الهی و اطاعت از رسول و اولی الامر دانسته‌اند (همان، ۱۹/۳۰۹؛ جرجانی، ۱۴۰۳، ۱۶۷).

مقاصد شریعت به عنوان یکی از علوم مهم اسلامی، از آغاز اسلام وجود داشته و همواره دانشمندان مسلمان در اجتهدات خویش، اهداف و غایات شریعت را مد نظر قرار داده‌اند، اما به دلیل غموض و عدم انضباط اسرار شریعت در برخی از موارد، این علم به صورت مستقل و مدون در نیامده بود؛ ولی عدم استقلال به معنای عدم وجود نمی‌باشد. در واقع، «مقاصد شریعت» قبل از تدوین مبانی ملحوظ غیر ملفوظ بوده که مورد پذیرش همگان قرار داشته است. از نخستین صاحب‌نظرانی که مقاصد شریعت را به عنوان علمی مستقل مطرح نمود، «امام الحرمين جوینی (م. ۴۷۸) و محمد بن محمد غزالی (م. ۵۰۵) بودند، چنانکه امام محمد غزالی در این باب گفته است: مصلحت عبارت‌ست از جلب منفعت و دفع مفسدہ که منظور از مصلحت مصالح شرعی است نه آنچه که مردم مصلحت می‌پنداشتند که شامل حفظ دین، جان، عقل، نسب و مال می‌گردد (غزالی، ۱۴۱۳، ۴۸۱/۲).

پس از غزالی، بزرگانی چون آمدی (م. ۶۳۱)، عز بن عبدالسلام (م. ۶۶۰)، قرافی (م.

(۷۸۴)، ابن تیمیه حرانی (م. ۷۲۸)، ابن قیم جوزی (م. ۷۵۱)، شاطبی (م. ۷۹۰) و... از صاحب‌نظرانی هستند که در این زمینه به صورت ویژه به بررسی و تحلیل احکام فقهی بر

مبنای مقاصد شریعت اقدام نمودند و به تدریج این علم در کار علم الفاظ در اصول فقه قرار گرفت و مکمل آن گردید. توجه به علم مقاصد موجب می‌گردد، ضوابط زبانی و اصول ادبی مقرر در علم اصول، با انعطاف و انطباق پذیری در راستای اهداف تشریع، موجب کارآمدتر شدن فقه در ادوار مختلف می‌گردد.

با جمع بندی اقوال فقها در باب تعریف مقاصد شریعت می‌توان گفت: مقاصد شریعت عبارتست از غایات و حکمت‌هایی که خداوند در اوامر و نواهی شریعت اراده کرده تا موجب اصلاح امور دنیوی و اخروی بندگان را محقق سازد. مقاصد شریعت با این تعریف، با مفاهیمی همچون حکمت، معنا، علت، مناسب، مناط، مصلحت و ... ارتباط نزدیکی خواهد داشت که این مفاهیم در حوزه‌های مختلف اصول فقه از مبانی استنباط احکام و به ویژه اجتهاد در امور مستحدث می‌باشند.

قبل از ورود به بحث مقاصد و انواع آن نگاه فقهی، شایان ذکر است در میان اصولیان دو دیدگاه درباره مقصیدگرایی شریعت وجود دارد. غالب دانشمندان اسلامی غایت مندی احکام شریعت را پذیرفته و آن را مبنای قیاس دانسته اند؛ در حالی که ظاهریه و برخی از متقدمان شافعیه، مقصیدگرایی در احکام را نپذیرفته و ظاهراً با تکیه بر معنای قصد در تشریع و عدم تصور آن برای خداوند از منظر کلامی با آن مخالفت کرده‌اند (اشعری، ۱۴۲۶، ۴۷۰) و بزرگانی چون سبکی در توضیح آن کوشیده‌اند و سعی در رفع این ابهام داشته اند (سبکی، ۱۴۱۶، ۴۱/۳) ولی متأخران شافعیه آن را پذیرفته و با تفکیک مفاهیم و مناقشات کلامی و فقهی، از این علم در استنباط احکام استفاده کرده، تا جاییکه در دوره‌هایی شافعیه پرچمدار علم مقاصد شریعت بوده‌اند.

۱-۲. شیوه کشف و اثبات مقاصد شریعت

مقاصد شریعت و جزئیات آن را می‌توان به دو شیوه عقلی و نقلی از بطن متون

استنباط نمود:



الف) استنباط نقلی مقاصد شریعت از طریق استقصاء و استقراء نصوص و استنباط کلیات و غایات شریعت، نخستین راه کشف مقاصد می‌باشد (شاطبی، ۱۴۱۷، ۲/۶-۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲۳۳). از دلایل مقصودگرایی در تشریع اسلامی می‌توان به دلایل نقلی زیر اشاره کرد:

- وصف خداوند به حکمت و رحمت که مقتضای آن هدفمند بودن اوامر و نواهی خداوند متعال می‌باشد.

- اعلام علت و اسباب تشریع در آیات و احادیث با ادواتی همچون: «لام تعیل» (البقره/۱۴۳)، «کی تعیلیه» (الحشر/۷)، «عل» (البقره/۱۸۳)، یا عباراتی شبیه «من أجل ذلك» (المائدہ/۳۲) و

- اشاره آیات و احادیث به مقاصد تشریع همچون آیات ۷۸ سوره الحج، ۱۸۵ البقره، ۹۰ النحل و

ب) در کنار دلایل نقلی متعدد، فقهاء دلایل عقلی نیز برای اثبات مقاصد شریعت ارائه کرده‌اند. برخی از این دلایل عبارتند از:

- خداوند انسان را کرامت داده و از لوازم تکریم تمام خداوند، تحقق مصالح به طور کامل می‌باشد که در صورت عدم آن، کرامت به معنای تمام محقق نمی‌گردد (رازی، ۱۴۱۸/۲، ۲۳۹).

- خداوند موجودات را خلق و مصالح دنیوی و اخروی بندگان را مقدار نموده است و عقلاً محال است که خداوند همه مصالح را مقدار کرده و در تشریع آنها را مهمل بگذارد (همان، ۲/۲۳۹).

فقهاء پس از پذیرش مقاصد شریعت، با طرقی همچون: استقراء، شناخت علل امر و نهی، تعبیرات و تعلیلات احکام، مناسبت، سبر و تقسیم، دوران، طرد، تنقیح مناط، اناطه (﴿احام به امور و... مقاصد شریعت را شنا سایی کرده﴾ ابن عاشور، ۱۹۷۸، ۲۰؛ غزالی،

۱۴۱۳/۲، ۴۳۲؛ جوینی، ۱۴۱۸/۲، ۷۹۱؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ۱۵/۲) و آنها را بر اساس اهمیّت و جایگاهشان در سه دسته تقسیم‌بندی نموده‌اند.

۲-۲. تقسیم‌بندی مقاصد شریعت

پس از پذیرش مفهوم مقاصد شریعت و طرق کشف آنها، دانشمندان اسلامی بر اساس اهمیّت و اولویّت، مقاصد را به سه دسته: «ضروریات»، « حاجیّات» و «تحسینیّات» تقسیم‌بندی کرده که برخی دست چهارم را تحت عنوان «مکملات» بدانها افزوده‌اند.

۲-۲-۱- ضروریات

ضروریات^۱ عبارتند از مصالحی که متضمّن اموری اساسی و ضروری در حیات فردی و اجتماعی بوده به گونه‌ای که اگر این امور مختل شوند و یا آسیب بینند، حیات فردی و نظام اجتماعی بر هم خورده و کیان جامعه را با خطر تهدید می‌کند (رازی، ۱۴۱۸؛ ۲۲۰/۲؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ۸/۲). صاحب نظران با استقراء نصوص قرآنی و آیاتی همچون: ۱۵۱-۱۵۳ سوره الأنعام، ۲۳-۳۶ الإسراء، ۱۲ الممتحنه و ... و احادیث مرتبط، (زرکشی، ۱۴۱۴، ۵/۱۲۳؛ قطب، ۱۴۱۲، ۳، ۱۲۳۱-۱۲۳۳) مصالح ضروری را در امور پنچگانه و به صورت زیر تقسیم‌بندی نموده‌اند:

۱- حفظ دین^۲: مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف تشریع حفظ دین بوده و خداوند نیز عبادت را هدف اصلی خلق‌ت معرفی نموده است. از نگاه خداوند دین حقیقی تنها اسلام بوده که غیر آن از بندگان قابل پذیرش نمی‌باشد. (آل عمران/ ۱۹ و ۸۵). با توجه به محوریت و اهمیّت دین، حفظ آن نیز از مهم‌ترین مقاصد تشریع است، چون در صورت ضیاع و فساد آن، دیگر مقاصد نیز از بین رفته و روح انسانیت و حیات



-
۱. Necessitates
 ۲. Save of Religion

سالم در جامعه از بین می‌رود (محمد/۱۲؛ الفرقان/۴۴)؛ بالذات تشريع و الزام احکامی همچون جهاد، دعوت به دین، الزام به جمعی بودن عبادات و ... حفظ دین را بر مسلمان واجب نموده است. در صورت اهمال در تحقیق دین حقیقی، هوا و زیاده خواهی‌های انسان بر جامعه حاکم شده و به تدریج جامعه را به تباہی خواهند کشاند (المؤمنون/۷۱). از اینرو فقه‌ها حفظ دین را نخستین ضرورت از ضروریات مقاصد شریعت قلمداد کرده‌اند (شاطبی، ۱۴۱۷، ۲/۴۰؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۲/۱۴۰).

۲ - حفظ جان^۱: از نگاه اسلام، جان انسانها ارزش والایی داشته تا حدی که قبل بی‌گناه یک انسان به مثابه قتل تمام مردم معرفی شده است (المائدہ/۳۲) و از نگاه فقهی، جامعه اسلامی موظف است با ایجاد امنیت همه جانبه و شامل، از همه انسانهای جامعه (مسلمان و غیر مسلمان) را محافظت نماید (نووی، ۱۴۱۲، ۹/۸۸؛ نووی، ۱۴۱۲، ۹/۱۳۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶، ۷/۲۶۴). توجه به شواهد و دلایل مختلف در باب اهمیت جان، سبب شده است فقه‌ها حفظ آن را به عنوان دومین ضرورت از ضرورتهای پنجمگانه مقاصد شریعت پذیرند.

۳ - حفظ عقل^۲: خرد و عقل، ممیزه انسان از حیوان و بزرگترین نعمت خداوند بر انسان است. اهمیت خرد و عقل از نگاه اسلام زمانی آشکارتر می‌گردد که امر به تفکر و تدبیر در قرآن بسیار بیشتر از امر به عبادتی چون نماز و زکات یا روزه مورد سفارش قرار گرفته است. حفاظت از این موهبت بی‌بدین از بدیهیات عقلی می‌باشد که در دین اسلام نیز به صورت ویژه‌ای بر صیانت و حفظ آن تأکید شده است، از اینرو در

-
۱. Save of life
 ۲. Save of wisdom

اسلام هر کاری که عقل را مختل سازد، حرام اعلام شده است. بر این اساس، کارهایی چون شرب خمر، مسکرات و هر چیزی که موجب ازاله و یا نقصان عقل شود، ممنوع می‌باشد؛ از این‌رو برای مجازات شارب خمر ۴۰ و یا ۸۰ ضربه شلاق تعیین شده است (شافعی، ۱۴۱۲، ۶/۱۸۰؛ ابن قدامه، بی‌تا، ۱۲/۴۹۸) که هدف از این مجازات، بازداشت افراد از ارتکاب مقدمات إسکار می‌باشد. با استناد به تتفییح مناطق می‌توان گفت هر چیزی که زائل کننده عقل بوده و یا آن را تحت الشعاع قرار دهد، حرام بوده و ذکر آن در احادیث از باب اختصاص است و حرمت تناول شامل انواع داروهای روان گردان و مواد مخدری که سبب می‌شوند عقل انسان دستخوش تغییر شود می‌گردد و تعارض آن با حفظ عقل موجب حرمت آن می‌گردد

۴- حفظ ذسب: از حريم‌ها و ارز شهای جامعه انسانی، ذسب، خانواده و روابط خونی می‌باشد که از نگاه اسلام حرمت خاصی برای آن قرار داده شده است و از این‌رو حفظ آن نیز از ضرورتهای فقه اسلامی قلمداد می‌شود (رازی، ۱۴۱۸، ۲/۲۲۰؛ ابن بدران، ۱۴۰۱، ۲۹۵؛ سبکی، ۱۴۱۶، ۳/۵۵). لازم به ذکر است برخی از فقهاء به جای نسب، «نسل» را به عنوان یکی از ضرورتهای خمسه بیان کرده (غزالی، ۱۴۱۳، ۲/۲۱۵؛ آمدی، بی‌تا، ۳/۲۷۴؛ شوکانی، ۱۴۱۹، ۲۶۱)، چنانکه دسته‌ای «عرض» و آبرو را از ضروریات دانسته‌اند (جوینی، ۱۴۱۸، ۲/۱۱۵۱؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۳/۳۲۴) که در واقع هر سه – با وجود تفاوت‌های جزئی – ناظر به یک حوزه معنایی مشترک می‌باشند. در اسلام برای حفظ نسب و نسل، قوانین متعددی از جمله اباوه و یا وجب ازدواج، حرمت زنا، حرمت لواط، حرمت سقط جنین، و... تشریع شده و برای حفظ آبرو، ضمن تشوییق به پاکدامنی در قالب ازدواج و یا خویشتن داری، حرمت بهتان، قذف، غیبت، دروغ، نمامی، و... تشریع شده است. اهمیت و جایگاه ذسب و عرض



سبب شده است که به عنوان یکی از ضرورتهای دینی قلمداد شده و پس از حفظ دین،
جان و عقل، از مهم ترین ضرورت‌های تشریع به شمار آید.

۵- حفظ مال^۱: از ضرورتهای زندگی که مصالح دنیوی با آن قوام پیدا می‌کند، «مال» است که در قرآن با عباراتی همچون «قیام» و «قوام» از آن نام برده شده که اضاعه آن حرام اعلام شده است. ارزش مال در اسلام ارزش ذاتی نبوده، بلکه عرضی می‌باشد و زمانی دارایی ارزشمند می‌باشد که برای کسب و نگهداری آن، اخلاق و فضایل انسانی تحت الشعاع قرار نگرفته باشد. بر این اساس است که خداوند در آیات مختلف، پیامبرانی را که دارای مکنت مالی بوده‌اند را ستد و با تمجیل از آنها یاد نموده است.

به دلیل جایگاه و اهمیت مال در اسلام، راهکارهای سلبی و ایجابی برای حفظ آن تشریع شده است. راهکارهای ایجابی حفظ مال، اموری همچون: تشویق به کار، اباحه معاملات و داد و ستد (البقره / ۲۷۵)، ترغیب به کسب مال برای منافع دنیوی و اخروی (البقره / ۲۶۱ - ۲۷۵؛ المزمول / ۲۰) را تشریع و با راهکارهای سلبی همچون: تحریم تجاوز به مال دیگران، تحریم اضعه مال (الإسراء / ۲۶ - ۲۷)، حد سرقت (المائدہ / ۳۲) و ضمان متلفات و ... زمینه کامل حفظ مال را فراهم نموده است (ابن قدامه، بی‌تا، ۱۲ / ۴۷۴؛ بابری، بی‌تا، ۵ / ۴۲۲؛ ابن رشد، ۱۴۲۵ / ۲؛ ۵۸۸ / ۲؛ قرطبي، ۱۳۸۴ / ۳).

جمهور فقهاء ترتیب ضروریات خمس را به این صورت پذیرفته‌اند. شایان ذکر است که برخی ضرورت حفظ دین را بر بقیه امور مقدم نمی‌دانند و معتقدند جایگاه دین، پس از حفظ جان و در مرتبه دوّم می‌باشد (اسنوى، ۱۴۰۰، ۱۰ / ۱۵۴؛ ابن همام، ۱۴۲۱، ۲۳۱ / ۳)، اما علمای اصول با دلایل متعدد بر ضرورت حفظ دین بر سایر ضروریات تأکید کرده‌اند. در هر حال، همه فقهاء اصولیان این پنج مورد را به عنوان ضروریات خمسه در

۱. Save of Properties

فقه اسلامی پذیرفته و معتقدند در صورت اخلال یکی از این محورها در جامعه، حیات فردی و اجتماعی با اختلال و مشکل مواجه می‌گردد.

پس از ضروریات خمس در مرتبه بعدی، تحقق حاجیات، دومین هدف از تشریع فقه اسلامی بوده که تحقق آن سبب ایجاد شرایط زندگی آسانتر و رفاه بیشتر در جامعه می‌گردد.

۲-۲-۲- حاجیات

«حاجیات»^۱ در مقاصد شریعت به اموری اطلاق می‌شود که حیات اجتماعی برای داشتن آسایش، وسعت و رفع سختی و عسر و حرج، برای تحقق آنها تلاش می‌کند. لازم به ذکر است که فقدان حاجیات، جامعه را با بحران و اختلال مواجه نمی‌سازد، بلکه در صورت اهمال و عدم تحقق آنها، جامعه به سختی و مشقت دچار می‌شود (شاطبی، ۱۴۱۷، ۱۶-۱۱/۲؛ زرکشی، ۱۴۱۴، ۲۰۱/۵؛ آمدی، بی‌تا، ۲۷۴/۳). بدین سبب در شریعت اسلام، خداوند حرج و مشقت را در عبادات، عادات، معاملات و سایر ابعاد زندگی مبنای رخست و تخفیف در ضوابط بیان کرده است (ابن قدامه، بی‌تا، ۱۲/۲۱-۲۵؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۲۰/۵۵؛ ابن قیم، ۱۴۱۱، ۶۰/۶۵-۶۰).

با این توضیح مشخص می‌شود که هدف از حاجیات در باب مقاصد، رفع حرج از مکلف برای تحقق ضروریات و ایجاد آسایش و آرامش در حیات می‌باشد (شاطبی، ۱۴۱۷، ۱۷/۲). لازم به ذکر است فقهاء در این باب همچون ضروریات خمس به طبقه‌بندی حاجیات و تبییب آن اقدام ننموده و با بیان هدف کلی از وضع حاجیات، استنباط مصادیق آن را در شرایط و زمان‌های مختلف بر عهده مجتهدان گذاشته‌اند.

۲-۲-۳- تحسینیات

سومین قسم از مقاصد شریعت، «تحسینیات» می‌باشد. تحسینیات، جمع «تحسین»



۱. Needs (second level of necessity)

از ماده «حسن» به معنای زیبا شدن می‌باشد. «تحسین» به معنای زیبایی و بیانگر آن است که انسان کاری را که با رعایت اصول و ضوابط تأسیس نموده و امور ضروری و نیازهای ثانویه آن را محقق کرده است، در پی زیبایی و تکمیل ظواهر و فروع آن بر می‌آید. تحسینیات در مقاصد شریعت، عبارتست از آنکه پس از تأسیس جامعه و تحقیق ضروریات و حاجیات، قانونگذار باید با تدوین قوانینی متناسب، مقدمه کمال و رشد افراد افراد جامعه و تخلیق آنها به مکارم و فضایل اخلاقی والا را فراهم سازد. به عبارت دیگر، خداوند همواره با وضع قوانین، انسان را به بالاترین مراتب رهنمون شده و او را به تحلیله به فضائل و تخلیه از رذائل دعوت نموده تا شخصیت کامل و جامع انسان مسلمان و جامعه اسلامی، شاهدی بر صحّت و حقائیقت تشريع الهی باشد. در قانونگذاری اسلامی، پس از تحقیق ضروریات و حاجیات، مردم به اهتمام به تحسینیات فرا خوانده شده‌اند، بر این اساس می‌توان تحسینیات را اموری دانست که حیات کریمانه را برای فرد و جامعه به ارمغان می‌آورند و در صورت فقدان آنها، حیات اجتماعی با بحران یا سختی و حرج مواجه نمی‌شود؛ اما از دست یابی به حیات کامل و تمام باز می‌ماند (رازی، ۱۴۱۸، ۲/۲۲۳؛ إرمومی، ۱۴۰۸، ۲/۱۹۲) که به عبارت دیگر بدین قسم «مکارم اخلاق» نیز گفته می‌شود (شاطبی، ۱۴۱۷، ۱۱/۲).

اهمیت و جایگاه تحسینیات بدان دلیل است که موجب کمال و حسن اخلاق عمومی می‌گردد و اهتمام بدان مردم را در بالاترین سطح زندگی صیانت می‌کند و اطمینان از تحقق کامل ضروریات و حاجیات را برای عموم جامعه به ارمغان می‌آورد. لازم به ذکر است، به دلیل تقدیم ضروریات و حاجیات بر تحسینیات، در صورت تعارض آنها، ضروریات و سپس حاجیات مقدم خواهند شد (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۲۰/۵۳۰؛ ابن رشد، ۱۴۰۸، ۲/۱۹۳).

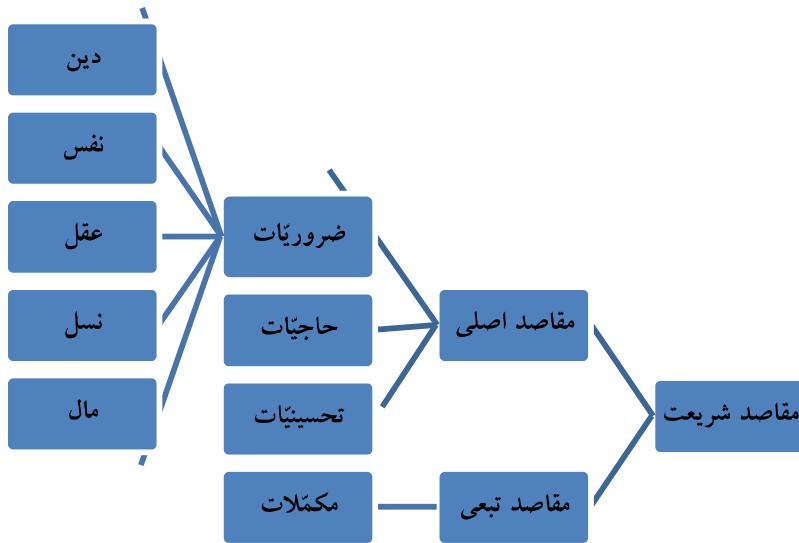
۲-۲-۴- مکملات (۱)

چنانکه گذشت، مقاصد شریعت در فقه اسلامی، با رعایت اولویت و اهمیت، در سه

مرتبه ضروریات، حاجیات و تحسییات، قرار می‌گیرند. برای تحقیق این امور و ضمانت اجرایی این اهداف سه گانه، مکملاتی در نظر گرفته شده است که مقدمه رسیدن به مقاصد شریعت می‌باشد. به عبارت دیگر مکملات عبارت است از قوانین و ضوابطی که در شریعت اسلام برای تحقق و وصول به مقاصد شریعت وضع شده است. برای مثال، مکملات ضروریات را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

مکملات ضرورت حفظ دین، اموری چون حرمت بدعث، وجوب اتباع از نصوص، وجوب تبلیغ دین، وجوب التزام به جمع، و... می‌باشد، چنانکه برای حفظ جان، حرمت قتل، وجوب و حق قصاص، دیه و... تشریع شده و تحریم خمر و مسکرات برای حفظ عقل، حرمت نگاه نامشروع و زنا برای حفظ نسل و عرض، وجوب إشهاد در معاملات و حرمت ربا و... برای حفظ مال در نظر گرفته شده‌اند (آمدی، بی‌تا، ۷/۳؛ ابن حاجب، ۱۴۰۳/۲/۲۷).

مکملات بیانگر آن است که در فقه اسلامی ضمن آنکه اولویت‌ها و امور از حیث اهمیّت از همیگر تفکیک شده و جایگاه ارزشی مسائل اجتماعی مشخص شده است، راهکارها و طرق حفظ و صیانت آنها نیز مورد تأکید قرار گرفته است و دسته‌بندی قوانین ناظر بدانها، به فقیه کمک می‌کند تا با اشراف بر مقاصد شریعت، با اطمینان بی‌شتری اولویتها را تشخیص دهد و با در دست داشتن ضوابط به تطبیق عملی فقه اسلامی در جامعه پردازد.



وجه ارتباط مکملات با موضوع قاچاق کالا و ارز، آن است که پس از تفکیک انواع قاچاق از نگاه مقاصد شریعت و تبیین حکم هر قسم، لازم است قانونگذار نیز به وضع قوانین متناسب به هر بخش بپردازد تا ضمن رعایت تناسب جرم با مجازات، زمینه بازدارندگی و تحقق مقاصد را فراهم آورد.

پس از اشاره کلی به مقاصد شریعت و انواع آن، به صورت گذار به مفهوم شناسی قاچاق و انواع آن، اشاره خواهد شد و سپس به تطبیق عملی دو حوزه مقاصد شریعت و قاچاق کالا و ارز اقدام می‌گردد.

(٤) ٣. قاچاق کالا و ارز

قاچاق از موضوعاتی است که از دیرباز مطرح بوده و همواره مشكلات متعددی را برای

سیستم‌های حکومتی و قضایی ایجاد کرده و به مرور زمان و با پیشرفت روابط تجاری، تنوع تولیدات صنعتی و گسترش و تسهیل نقل و انتقال کالا، افزایش تقاضای مصرف مردم و رواج فرهنگ مصرف گرایی و... به تدریج بر پیچیده شدن معضل قاچاق کالا افروده، تا جاییکه در برخی از جوامع و کشورها به بحرانی تبدیل شده و آسیب‌های متعددی برای صنایع و تولیدات داخلی ایجاد کرده است.

«قاچاق»^۱ در لغت واژه‌ای ترکی بوده که از دو بخش «قاج» و «آق» تشکیل شده است. قاج در زبان ترکی، فعل گذشته به معنای «دوید» می‌باشد و پسوند «آق»، پسوند مصدر ساز بوده و به واژه، معنای مصدری می‌دهد. با این توضیح معنای لغوی قاچاق، «دویدن و فرار کردن» می‌باشد که به مرور توسع معنایی پیدا کرده و به هر کاری که با تفکن و زیرکی انجام شود و از دید مردم پنهان بماند گفته شده، چنانکه بعدها این واژه به معنای وارد کردن مтайع یا کالایی که در انحصار دولت بوده و یا منع قانونی داشته، اطلاق گردیده است (دهخدا، ۱۳۳۹، ۱۸/۳۸؛ معین، ۱۳۷۳، ۷۸۴).

قاچاق در متون و نظام حقوقی ایران دارای معنای متعدد می‌باشد. این واژه گاه در معنایی وسیع و گاه در معنای محدود به کار برده می‌شود. شاید بتوان معنای وسیع قاچاق را مربوط به زمان آغاز قانونگذاری در ایران دانست. در آغاز تدوین قانون در ایران، واژه کالایی قاچاق، به هر کالایی که عوارض و مالیات‌های متعلق بدان پرداخت نمی‌شد و یا به وارد کردن هر کالایی که در انحصار دولت بوده را شامل می‌شد. چنانکه در مواد ۳۶ و ۲۸۱ قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکّام، مصوب ذیقده سال ۱۳۲۵ قمری معنای موسع کالای قاچاق مدنظر بوده است.

در مواردی که برخی کالاهای به دلیل شرایط زمانی از حساسیت خاصی برخوردار بوده‌اند، نیز به صورت دوره‌ای، کالایی جزو کالاهای قاچاق به شمار آمده است.

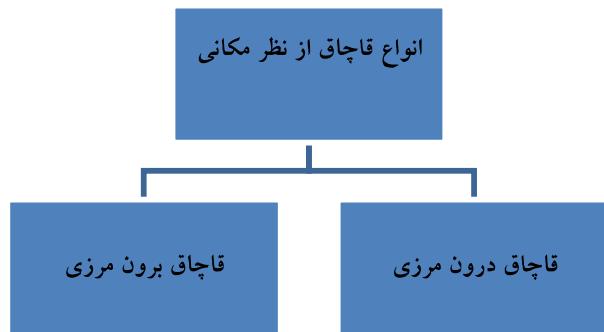
۱. Smuggle

چنانکه در قانون انحصار نمک سال ۱۳۲۸ هـ. ق. تولید و فروش نمک در انحصار دولت قرار داده شد و خرید و فروش آن ممنوع اعلام گردید. لازم به ذکر است که در ماده ۱۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، هر کالایی که مالیات آن پرداخت نشده باشد، جزو کالاهای قاچاق معرفی شده است.

از جمله تعاریفی که معنای محدود کالای قاچاق را در نظر دارد، می‌توان به ماده ۳۴ قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ هـ. ق. اشاره کرد که در آن کالای قاچاق را کالاهایی دانسته اند که برخلاف قوانین و مقررات حمل و نقل از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال داده می‌شود به صورتی که ناقض محدودیت و یا ممنوعیت باشد. لازم به ذکر است واژه «قاچاق» در قوانین مختلف، تعاریف مختلفی برای آن ذکر شده است که این تفاوت در عمل مشکلاتی برای تفسیر و تطبیق قوانین ایجاد کرده است.

۱-۳. انواع قاچاق

قاچاق را می‌توان به اعتبارهای متفاوتی تقسیم‌بندی کرد. برای مثال از نظر مکانی دو نوع قاچاق کالا وجود دارد. قاچاق درون مرزی (داخلی) که در آن افراد مبادرت به حمل و نقل کالای ممنوع در داخل مرزهای سیاسی یک کشور دارند. قاچاق برون مرزی (خارجی) که در آن کالاهای و مواد قاچاق به خارج از مرزهای یک کشور انتقال داده می‌شود.



نمودار شماره ۲. انواع قاچاق از نظر مکانی

قاچاق از نظر کالا و محموله قاچاق نیز دسته‌بندی دیگری است که به نظر می‌رسد با ماهیت بحث فقهی قاچاق کالا تناسب بیشتری داشت و در دسته‌بندی مقاصد شریعت و انطباق آن بر موضوع قاچاق کالا سودمندتر می‌باشد. بر این اساس می‌توان کالاها را به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱-۳-۳- قاچاق کالاهای حرام^۱

این دسته شامل قاچاق کالاهایی می‌شوند که از نگاه شرعی مالیت نداشته و یا به دلیل نجا سنت و پیامدهای ناگوار، خرید و فروش شان از نگاه فقهی حرام می‌باشد. از بارزترین مصادیق این نوع قاچاق کالا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **قاچاق انسان**: با وجود پیشرفت‌های جدید در عصر حاضر، اما بردگی نوین در پوششی جدید هنوز در جامعه بشری وجود دارد و سالانه هزاران زن، کودک و مرد در جهان قاچاق می‌شوند. لازم به ذکر است که در مواردی افراد به امید زندگی بهتر و مطمئن تر برای خود و فرزندانشان به صورت غیر قانونی از مرزها می‌گریزند که این مورد نیز از جمله مصادیق قاچاق انسان می‌باشد، هر چند در بحث حاضر بیشتر ناظر به خرید و فروش انسانهای بی‌بصاعت و بی‌پناه برای کار و خدمات مختلف می‌باشد. هر دو صورت قاچاق انسان، ثروت هنگفتی را به جیب دلالان انسان سرازیر کرده و در موارد متعددی، افراد پس از گرفتن پول، انسانها را در دل دریا یا بیابان رها کرده و به سرنوشتی نامعلوم می‌سپارند.

بر اساس قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور، کسی که فردی را از مرز عبور دهد یا موجبات آن را فراهم نماید، مجرم شناخته شده و در



۱. Smuggle of Haram (illegal) commodities

۲. Smuggle of Human

صورتی که عمل او محل به امیت باشد، و در حد محاربه و افساد فی الأرض نباشد، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود. در این خصوص اگر شخص عبور داده شده، ممنوعیت قانونی داشته باشد، مجرم به دو تا هشت سال حبس و جریمه نقدی از ۲۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود و اگر محکومیت کیفری داشته باشد، به ۲ تا ۴ سال حبس محکوم می‌شود. عبور دهندگان کودکان غیربالغ ۳ تا ۵ سال حبس و در غیر موارد مذکور به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شوند (ماده یک قانون مجازات عبور دهندگان غیر مجاز).

۲. **قاچاق مواد افیونی و مواد مخدر^۱:** یکی از پررونق ترین و در عین حال خطرناک ترین انواع تجارت در دنیای امروز، تجارت مواد افیونی و مخدر است که تهدید جهانی به شمار آمده و مقدمه بسیاری از مضلات اجتماعی یا مفاسد دیگر می‌گردد. ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و سوق الجیشی در منطقه که به مثابه درگاه ارتباط غرب آسیا به کشورهای اروپایی می‌باشد، به طور طبیعی به معضل قاچاق مواد مخدر وارد می‌شود.

با توجه به اهمیت و حساسیت مواد مخدر، بر اساس ماده ۱۷ قانون تشدييد، به پرونده‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و بر اساس ماده ۱۲ قانون مذکور، پروانه کسب محل فروش مواد مخدر بلاfacسله توقيف و در صورت محکومیت متهم، اموال و سرقلی آن به نفع دولت مصادره خواهد شد.

در این مورد، مواد افیونی نیز بر اساس ماده ۲۶ تا ۳۳ قانون مجازات مرتكبین قاچاق، خرید و فروش، تهیّه و نگهداری، حمل و نقل انواع توتون، سیگار، افیه، و انواع کاغذ سیگار و ابزار و ادوات مربوط به آن، به موجب قانون اصلاحی انحصار دخانیات صورت ۹۱۳۰—ق، در انحصار دولت قرار داشته، لذا در صورت تولید و یا تهیّه ابزارهای

۱. Smuggle of Drugs

دخانیات، مجرم تلقی شده و مرتکب آن به مجازات‌های ذکر شده، مجرم به شمار آمده و مجازات‌های مقرر در مورد او به اجراء می‌گردد.

۳. قاچاق مشروبات الکلی^۱: مشروبات الکلی پیش از انقلاب جزو کالاهای مجاز بوده و دارای ارزش مالی و مادی بوده و همچون سایر کالاهای مشمول مقررات عمومی قاچاق قرار گرفته و مجازات خاصی برای آن پیش بینی نشده بود و مجرم بر اساس قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ هـ^۲ ق. و اصلاحیه‌های آن، قاچاقچی مشروبات الکلی به حبس و دو برابر بهای نقدی کالا محکوم می‌شندند.

پس از انقلاب قوانین مربوط به قاچاق مشروبات الکلی با فراز و نشیب‌هایی همراه بود و در ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، قانونگذار برای هر کسی که به تولید، فروش و وارد کردن مشروبات الکلی بپردازد، مجازات سه ماه تا یک سال حبس و هفتاد ضربه شلاق و جزای نقدی با یک یا دو مورد از آنها را در نظر گرفت. این قانون در سال ۱۳۸۷ و سپس در دی ماه سال ۱۳۹۲ مورد بازبینی قرار گرفت که در قانون اخیر مجازات مجرم بر اساس میزان مشروبات در نظر گرفته شده و در صورت افزایش میزان میزان کالای قاچاق شده، میزان و شدت جریمه افزایش پیدا می‌کند (مواد ۲۳ و ۲۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب دی ماه سال ۱۳۹۲).

این سه دسته از اقسام کالاهای را می‌توان از مصادیق بارز کالاهای حرام دانست که خرید و فروش آنها از نگاه فقهی حرام و یا ناجائز می‌باشد.

۱-۲-۳- قاچاق کالاهای حلال^۲

دسته دوم از کالاهای قاچاق، کالاهایی است که از نگاه شرعی مالیت داشته و خرید و فروش آنها بدون مانع می‌باشد. این دسته نیز به نوبه خود به دو دسته دیگر قابل



-
۱. Smuggle of Alchaholic Drinks
 ۲. Smuggle of Halal (legal) commodities

تقطییم می‌باشد:

— کالاهایی که از نگاه قانون کشور، خرید و فروش آنها ممنوع بوده و شامل اصنافی همچون اسلحه، آثار ملی و عتیقه جات می‌باشد (کالاهای ممنوع).

— کالاهایی که از نگاه قانونی خرید و فروش آنها جایز بوده، اما به دلیل کمک به اقتصاد داخلی و یا حفظ نظم و دیگر عوامل، واردات و یا صادرات آن ممنوع اعلام شده است (کالاهای مجاز).

احکام قانونی هر صنف از اصناف مذکور مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. کالاهای ممنوع^۱: این دسته از کالاهای از نگاه شرعی ممانعت و محدودیتی برای خرید و فروش آنها وجود ندارد، اما در قانون مجازات‌ها برخوردهایی با این افراد در نظر گرفته شده است. از بارزترین مصادیق این نوع معاملات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

— **قچاق سلاح**^۲: قاچاق اسلحه عبارتست از وارد کردن، صادر کردن، خرید و فروش، حمل و نقل، نگهداری، مخفی کردن اسلحه در داخل کشور. از نگاه قانونی وارد کردن اسلحه جنگی و شکاری، و لوازم و ادوات آن ممنوع بوده و تنها با موافقت دولت جایز می‌باشد و در صورت وارد کردن یا صادر نمودن یکی از این اشیاء، یک یا چند نفری که به این کار اقدام کرده‌اند، به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردند:

— در صورت مسلح بودن و مقاومت مسلحانه به اعدام و در صورت عدم مقاومت به حبس ابد با کار از سه تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شوند.

— در صورت مسلح نبودن و داشتن تفنگ جنگی و مواد منفجره، به حبس با کار، از سه تا ده سال و در مورد اسلحه و مهمات شکاری به حبس عادی از سه ماه تا سه سال

۱. Smuggle of Forbidden commodities (in the case of law)

۲. Smuggle Of Gun

محکوم می‌شوند (ماده یک قانون تشدید مجازات اسلامی).

- **قاچاق آثار ملی و عقیقه^۱:** از دیگر موارد قاچاق آثار ملی و عقیقه می‌باشد. در

تعریف آثار ملی آمده است که کلیه آثار صنعتی، اینیه و اماکنی که تا اختتام دوره زندیه در مملکت ایران احداث شده، اعم از منقول و غیر منقول، با رعایت ماده ۱۳ این قانون، جزئی از آثار ملی ایران محسوب شده و تحت حفاظت و نظارت دولت می‌باشند (ماده یک قانون راجع به حفظ آثار ملی).

به دلیل اهمیت این دسته از آثار و اهتمام قانونگذار به حفظ آن سفارش نموده و دست اندرکاران تقلب و یا قاچاق در این زمینه را محکوم کرده است. چنانکه در این باره اینگونه وضع شده است: هر گونه اقدام به خارج نمودن اموال تاریخی- فرهنگی، هر چند به خارج کردن آن از کشور نینجامد، قاچاق محسوب و مرتكب علاوه بر استرداد اموال، به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر ارزش کالا قاچاق شده محکوم می‌گردد. همچنین سرقت این نوع اموال نیز از اماکن مذهبی، تاریخی و سایر اماکن تحت حفاظت دولت و نیز خرید و اختفای این نوع اعمال با علم به مسروقه بودن آن، در صورتی که مشمول حد سرقت نگردد، موجب استرداد اموال و دو تا پنج سال حبس برای این افراد در نظر گرفته شده است. (ماده دو قانون الحاقیه ماده ۱۲۷ مکرر به قانون مجازات عمومی).

۲. **قاچاق کالاهای مجاز^۲:** منظور از این دسته کالاهایی است که از نگاه اجتماعی و عرفی محدودیتی برای خرید و فروش آنها وجود ندارد، اما به دلیل شرایط و تدبیری خاص، خروج بی هماهنگی آن موجب بحران و اتلاف می‌گردد. مهم ترین موارد این دسته از کالاهای قاچاق را می‌توان در موارد زیر مورد بررسی قرار داد:



-
۱. Smuggle of National Relic and Antique
 ۲. Smuggle of permitted commodities (in the case of law)

- قاچاق ارز^۱: از جمله انواع قاچاق که به دلیل نوسانات اقتصادی، سود سرشاری را برای سهام داران به ارمغان می‌آورد، قاچاق ارز می‌باشد. «ارز» در قانون ایران عبارتست از پول رایج کشور خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مكتوب یا الکترونیکی که در مبادلات مالی کاربرد دارد (ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز).

لازم به ذکر است در قانون ایران هر نوع حمل و نقل یا خرید و فروش ارز از مصادیق قاچاق کالا به شمار نمی‌آید؛ بلکه بر اساس ماده ۶ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، حدود و مقررات استفاده از ارز را دولت تعیین می‌کند که ارزهای خارج از ضوابط تعیین شده ارز غیر مجاز به شمار آمده و خرید و فروش، حمل و یا حواله ارز غیر مجاز و خارج از ضوابط تعیین شده و خارج کردن آن از کشور ممنوع بوده و مصدق قاچاق ارز می‌باشد.

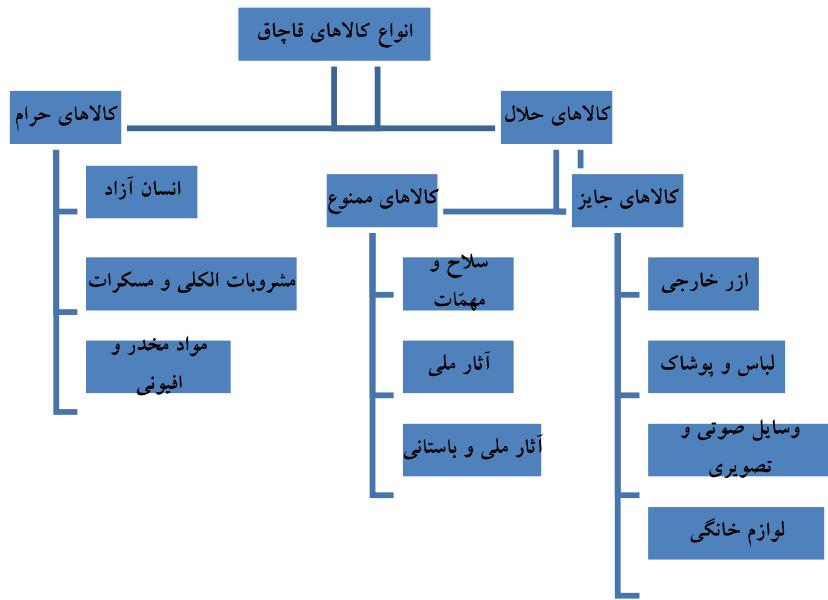
در صورت ثبوت قاچاق ارز، ابتدا اموال قاچاق از متخلّفان و قاچاقچیان اخذ، و پس از فروش آن بر اساس نرخ بانک مرکزی، ۵۰ درصد به سازمانهای کاشف و کاشفین، ۴۰ درصد به خزانه دولت و ۱۰ درصد باقیمانده به امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز اختصاص پیدا می‌کند (ماده ۷ قانون اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز).

- قاچاق کالاهای تجاری^۲: یکی از شایع ترین انواع قاچاق، قاچاق کالاهای تجاری می‌باشد که علل متعارفی همچون نیاز مالی، تقاضای بازار داخلی، صرفه اقتصادی خرید کالای خارجی، کیفیت خاص کالاهای وارداتی، و... سبب تمایل مردم به این نوع قاچاق کالا می‌شود. در مواد ۱۰ و ۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی بیان

۱. Smuggle of Change
۲. Smuggle of Commodities

شده است که وارد نمودن هر یک از اجنباس خارجی به خاک ایران، علاوه بر اجرای مقررات انحصار تجارت خارجی، مشروط به تأثیه حقوق و عوارض در زمان ورود می‌باشد. کلیه اجنباسی که بر خلاف مقررات مملکت وارد می‌شوند، قاچاق محسوب و به نفع دولت ضبط و فروخته خواهند شد و مرتكبین به شش ماه تایک سال حبس محکوم می‌شوند (مواد ۱۰ - ۱۲ قانون اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی).

با بررسی انواع کلی قاچاق کالا و ارز و مجازاتها و قوانین مربوط بدانها، مشخص می‌شود که قانونگذار نیز در تقنین هدفمندانه عمل نموده و در مواردی که قاچاق کالا با خطر و تهدید اجتماعی بیشتری همراه بوده و پیامدهای ناگوارتری به همراه داشته، با وضع مجازات‌های سنگین‌تر، زمینه ارتکاب آن را محدودتر ساخته است که تأمل در کیفیت کیفر نشانده‌نده ارزش گذاری و حساسیت قانونگذار بر انواع قاچاق می‌باشد.



نمودار شماره ۳. تقسیم‌بندی انواع کالايات قاچاق

۴. تطبیق مقاصد شریعت با مسأله انواع قاچاق

قبل از شروع بحث لازم است، اصلی مهم در باب احکام شرعی بیان گردد و آن اصل انعطاف پذیری و نسبت در احکام فقهی اسلام می‌باشد. انعطاف پذیری و نسبت در احکام بدان معناست که در شرایط مختلف یک موضوع می‌تواند دارای احکام مختلفی باشد که در نگاه اول نوعی تعارض و تضاد را به ذهن متبار کند، اما با لختی درنگ و تأمل مشخص می‌شود هدفی که در ورای احکام قرار داشته ثابت بوده، ولی به دلیل شرایط مختلف احکام آن تغییر کرده است. برای مثال هدف از تشکیل خانواده و ازدواج، حفظ ارزش‌های اخلاقی، ازدیاد نسل، آرامش و سلامت اخلاقی جامعه می‌باشد، اما این اهداف در حالت‌های مختلف و برای اشخاص متفاوت احکام گوناگونی خواهد داشت. برای مثال ازدواج برای شخصی واجب بوده چون اهداف فوق را محقق می‌کند، اما ازدواج با محارم برای این شخص حرام می‌باشد، چون مفسد و بیامدهای بسیار ناگواری داشته و حریم‌هایی را از بین می‌برد که نمی‌تواند منافع مختصر آن را توجیه نماید.

در باب قاچاق کالا نیز این رویکرد وجود دارد. بدین معنا که هدف از وضع حدود و گمرک، علاوه بر امنیت و انسباط داخلی، کمک به اقتصاد بومی و تولید ملی می‌باشد؛ بنابراین امکان دارد در دوره‌ای از زمان به دلیل شرایط خاص داخلی، کشوری مجبور شود واردات کالایی را آزاد نماید؛ اما در زمان دیگر که نیاز مرتفع شده است، از واردات همان کالا ممانعت نماید و این تغییر حکم به معنای تعارض قانونگذار در تقویت نمی‌باشد بلکه راه‌های رسیدن به هدف واحد، متفاوت بوده است. به عبارت دیگر، لازمه تغییر قوانین، تعارض و یا تضاد و تزلزل قانونگذار نداشته، بلکه نشاندهنده تحقق اهداف واحد با احکام متفاوت در شرایط زمانی مختلف است.

(*) در بخش اول، مفهوم مقاصد شریعت مشخص گشت و بیان شد که هدف از مقاصد شریعت جلب منفعت و دفع مفسد می‌باشد که این هدف، با توجه به اولویت و اهمیت

امور، در سه مرتبه ضروریات، حاجیات و تحسینیات مورد بررسی فقهاء و اصولیان قرار گرفته اند. همچنین بیان شد که کالاهای قاچاق به دو دسته حلال و حرام تقسیم می‌شوند. کالاهای حلال عبارتست از کالاهایی که در فقه اسلامی اوصاف مبیع را داشته و امکان نقل و انتقال آنها وجود دارد. از شروط مبیع در فقه اسلامی، قابلیت تملک، طهارت و پاکی عین، قابلیت انتقال، قابلیت انتفاع حلال، امکان تسلیم و... می‌باشد (رمی، نهایه المحتاج، ۳۹۳/۳، بهوتی، کشف القناع، ۱۶۲/۳). براساس حجت مفهوم، اگر کالایی یکی از اوصاف مذکور را نداشته باشد، از نگاه اسلامی مبیع قلمداد نمی‌گردد، لذا ملک نبودن، نجس نبودن، عدم قابلیت انتفاع حلال، تعدّر تسلیم و... از اموری خواهند بود که منجر به بطلان بیع کالا می‌گردند و اگر بیع کالایی حرام باشد، به طریق اولی، قاچاق آن نیز حرام می‌باشد. از سان ابتداء آزاد بوده و تحت ملکیت کسی قرار ندارد و نصوص دینی بر آزادی و آزادمنشی انسان بسیار تأکید دارند. بنابر این تجارت و قاچاق انسان آزاد به دلیل منافات با اهداف شریعت و عدم وجود اوصاف مبیع باطل و حرام بوده و نمی‌توان آن را جزو بیوع شرعی دانست. از اینرو در قانون و حقوق بشر نیز تجارت انسان ممنوع و غیر قانونی اعلام شده است. از سوی دیگر، قاچاق انسان از منظر مقاصد شریعت، یکی از ضروریات خمسه را تهدید می‌کند و آن ضرورت حفظ جان و نفس می‌باشد. با توجه به آنکه قاچاقچیان برای فرار نیروهای امنیتی و انتظامی، غالباً انسان‌ها را از مسیرهای صعب العبور و با امکانات اندک عبور می‌دهند، این امر در غالب موارد موجب تهدید جان انسان‌ها می‌گردد و با ضرورت حفظ جان در تعارض می‌باشد. همچنین شواهد و واقعیات بیانگر آن است که در موارد متعددی قاچاقچیان، انسان‌ها را در دریا یا بیابان رها کرده و این امر موجب هلاکت بسیاری شده و جان بسیاری را گرفته است و توجیهی برای به خطر انداختن جان انسان‌ها در این موارد وجود ندارد. گذشته از این پذیرش جواز قاچاق انسان، موجب عسر و حرج بوده و با اخلاق والا و حیات کریمانه در تعارض می‌باشد که از منظر حاجیات و تحسینیات نیز قابل توجیه نمی‌باشد.

حاصل سخن آنکه قاچاق انسان با همه مقاصد شریعت منافات داشته و پذیرش آن تنها منافع ناچیزی را نصیب عده‌ای محدود می‌کند و مفاسد فراوانی را به دنبال دارد.

در باب قاچاق مشروبات الکلی و مواد افیونی نیز می‌توان گفت از نگاه مقاصد شریعت نه تنها قاچاق کالا جایز نمی‌باشد، بلکه حتی تجارت و خرید و فروش این کالاها حرام بوده و بیع آنها ناجایز است. چنانکه اشاره شد، از شروط مبيع در فقه اسلامی، طهارت عین و امکان انتفاع حلال می‌باشد که مشروبات الکلی همچون خمر، از نگاه اسلامی نجس بوده و همچنین مواد مخدر و افیونی امکان استفاده صحیح و انتفاع حلال - به ویژه در حالات قاچاق این مواد - در باره آنها متصوّر نمی‌باشد؛ لذا بیع و به طریق اولی قاچاق آنها با مقاصد شریعت منافات دارد. توضیح اینکه حفظ جان و عقل از ضروریات خمسه در مقاصد شریعت بوده که مصرف مشروبات الکلی و مواد افیونی در درجه اول عقل انسان را که ممیزه او از حیوان بوده، زائل ساخته و تداوم مصرف و استعمال آنها، سلامت و حیات انسان را با تهدید مواجه می‌سازد. از این‌رو این نوع قاچاق با ضروریات در تعارض بوده و امکان جمع آن با ضوابط و چهارچوبهای اسلامی وجود ندارد.

سوالی که به ذهن متبار می‌شود، آن است که در موارد محدودی، مشروبات الکلی و مواد مخدّر استفاده دارویی از آنها صورت می‌گیرد، آیا توجه به این مطلب می‌تواند تجارت و یا قاچاق آنها را توجیه نماید؟ در پاسخ به این سوال باید گفت بر اساس حدیث «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الدَّاءَ وَالدُّوَاءَ وَجْعَ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءً، فَنَذَاوُوا وَلَا تَذَاوُوا بِالْحَرَامِ» (ابونعیم اصفهانی، ۶، ۲۰۰/۱)، خداوند شفاء و داروها را در حرام قرار نداده است؛ ولی اگر به علت جهل انسان به داروهای حلال و شفابخش، استفاده از داروهای حلال امکان نداشته باشد، می‌توان بر اساس قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» از این اقلام برای تداوی استفاده نمود، مشروط به آنکه استعمال و مصرف آنها در حد تداوی باقی بماند چون برای ساس قاعده «الضرورات تقدر بقدرتها»، در اسلام هنگام رفع اضطرار،

احکام به حالت اصلی باز می‌گردند. با این وصف، پذیرش تداوی نیز نمی‌تواند ذریعه‌ای برای پذیرش قاچاق مشروبات الکلی و مواد افیونی باشد، چون حکومت اسلامی به ضرورت استفاده دارویی از این اقلام واقف بوده و موظف است به طریق رسمی و قانونی به تهیه این اجناس اقدام نماید و آنها را در اختیار مراکز دارویی قرار دهد و مراکز دارویی نیز به صورت کنترل شده، داروها را در اختیار مردم قرار دهند. بر اساس مقدمات گفته شده، دولت اسلامی موظف است بر اساس تحقیق مکملات، برای رفع حرج تدابیری را برای آسایش و سلامت جسمی و روحی جامعه بیندیشند و در قالب قوانین و ضوابطی آنها را به مراکز و مراجع ذیربطری ابلاغ نماید.

حاصل سخن آنکه، قاچاق کالاهای حرام به دلیل مفسدہ ذاتی که در آنها وجود دارد، از نگاه مقاصد شریعت قابل پذیرش نمی‌باشد.

چنانکه گفته شد، کالاهای حلال، از نگاه قانونی به دو دسته ممنوع و جایز تقسیم می‌شوند، کالاهای ممنوع که شامل کالاهایی همچون اسلحه، آثار ملی و عقیقه می‌باشد و خرید و فروش این کالاهای عادی ممنوع بوده و با خاطلیان برخورد قانونی صورت می‌گیرد، و در مقابل کالاهای مجاز به کالاهایی اطلاق می‌شود که از نگاه قانونی، تجارت و دادو ستد آنها با ممنوعیت مواجه نمی‌باشد و کالاهایی همچون: لوازم خانگی، لوازم صوتی و تصویری، لوازم پزشکی، پوشاس و ... را در بر می‌گیرد.

تجارت کالاهای ممنوع به صورت ابتدایی از نگاه شرعی جایز می‌باشد، اما حاکم جامعه می‌تواند به دلیل اقتران آن با شرایطی یا منافات آن با مصالح و منافع ملی، تجارت آنها را ممنوع اعلام نماید. وجود سلاح در گذشته در غالب منازل امری بسیار رایج و معمول بود که جزو حقوق بدیهی و اولیه به شمار می‌آمد و حتی عدم وجود سلاح در خانه، نوعاً نشانه عدم اهتمام به حفظ کیان و حریم خانه قلمداد می‌شد؛ اما با پیدایش سلاح گرم و قدرت کشنده‌گی بالای آن، به دلیل استفاده نایجاً از آن، در برخی جوامع استفاده عمومی و خرید و فروش آزاده آن ممنوع گشت و برای افرادی که به

صورت پنهانی و قاچاق به فروش آن اقدام می‌کردند، مجازاتهای بازدارنده‌ای در نظر گرفته شد. بر این اساس، هر گاه خرید و فروش سلاح، موجب فساد یا سوء استفاده و تهدید ضروریاتی چون جان، مال، نسل و ... گردد و یا موجب سخت شدن زندگی اجتماعی شود؛ می‌توان از باب تعارض با ضروریات و حاجیات، حکم عدم جواز خرید و فروش این اسلحه را صادر کرد و حاکم می‌تواند با این پدیده از منظر مقاصد شریعت برخورد نماید.

در باب خرید و فروش اموال ملی و عتیقه نیز همین ضوابط حاکم می‌باشد. بدین معنا که هر چند مانعی شرعی برای تجارت و داد و ستد آنها وجود ندارد، اما قانونگذار می‌تواند، به عنوان نماینده مردم، با استناد به ضرورت حفظ اموال عمومی و ثروت همگانی، ممنوعیت خرید و فروش این اقلام را تصویب نماید و به طریق اولی این امکان را خواهد داشت که با قاچاق آنها مبارزه کند.

حفظ استقلال و تمامیت ارضی یک جامعه از لوازم بقاء و قوام اجتماع می‌باشد. از راهکارهایی که می‌تواند این هدف را محقق سازد، خودکفایی جامعه در امر تولید و صنعت می‌باشد. برخی از کشورها به دلیل شرایط جغرافیایی و آب و هوایی امکان خودکفایی در همه زمینه‌ها را نداشته، بنابراین، با استفاده بهینه از وضعیت موجود، سعی در آن دارند که در حوزه خاصی از تکنولوژی، صنعت و یا کشاورزی سرمایه‌گذاری کرده و با صادر کردن آن بتوانند واردات مورد نیاز خود را تهیه کنند. ایران کشوری است که به دلیل وسعت جغرافیایی و تنوع اقلیمی، می‌تواند - در صورت مدیریت صحیح - کشوری خودکفا و مستقل باشد، که استقلال یک جامعه می‌تواند در بخش حاجیات و تحسینیات مقاصد شریعت می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. بنابراین قانونگذار می‌تواند به دلیل حمایت از تولید داخلی و برای تقویت پایه‌های اقتصاد ملی، (۱) از وارد کردن کالاهای خارجی ممانعت به عمل آورده و با قاچاقچیان این کالاهای برخورد نماید و با این کار زمینه استقلال همه جانبه، تولید و اقتصادی پویاتر را فراهم

سازد.

بدیهی است که در طرف مقابل نیز، تولیدکنندگان داخلی باید موظف گردند که با بالا بردن مداوم سطح کیفی تولیدات و رقابت صحیح و سالم، انتظارات و اهداف قانونگذار از تحریم کالاهای خارجی را فراهم سازند؛ چون در غیر این صورت، عدم اجازه به وارد کردن کالاهای خارجی و الزام مردم به خرید کالاهای داخلی بی کیفیت و با قیمت بالا، نه تنها موجب بی اعتمادی مردم به قانونگذار شده، بلکه بالا رفتن سطح اعتراضات و نارضایتی عمومی، سبب ضعف حکومت اسلامی و فساد اقتصادی و سوء استفاده اقشاری اندک از محدودیت‌های قانونی می‌گردد.

چنانکه اشاره شد، برخی از فقهاء مکملات را به عنوان تکمیل کننده موضوع مقاصد شریعت قرار داده و در این بخش به بیان قوانین و ضوابط پرداخته اند، که شارع در راستای تحقق مقاصد و ضع نموده است. برای تکمیل بحث می‌توان موارد زیر را به عنوان مکملات مقاصد شریعت در حوزه قاچاق کالا و ارز بیان نمود:

- هدف قانونگذار در وضع قوانین در حوزه قاچاق کالا و ارز باید منافع و مصالح عموم جامعه باشد و تنظیم قوانین باید در راستای اهداف عمومی صورت گیرد، در غیر این صورت قانون به ابزاری برای سوء استفاده از عده‌ای قلیلی تبدیل می‌شود که برای بالا بردن سطح ثروت و امکانات خویش، در پوشش قانون سعی در استثمار جامعه دارند.

- مصلحت و مفسدۀ ای که بر اساس آن ضوابط و مجازاتهایی برای قاچاق کالا و ارز در نظر گرفته می‌شود، باید مصلح و مفسدۀ حقیقی باشد نه احتمالی و فرضی. بدآن معنا که قانونگذار حق ندارد به ذریعه احتمال و یا فرض مفسدۀ و یا منفعت غیر محقق مردم را از دستیابی به امکانات رفاهی و معیشتی خاصی فراهم کند و با این کار موجبات زندگی سخت به همراه عسر و حرج را برای مردم ایجاد نماید، چون تداوم

این روند سبب ایجاد بی اعتمادی بین ارکان جامعه گشته و به مرور موجب ضعف دولت می‌گردد. عدم توجه به این مقوله موجب نادیده گرفتن حاجیات و تحسینیات خواهد گشت.

- قوانین موضوعه باید ضمانت اجرایی داشته باشد و با قاچاقچیان به صورت جدی و یکسان برخورد شود. از اموری که در اسلام و برخی سیستم‌های قانونگذاری بر آن تأکید می‌شود، اصل عمومی بودن مجازات‌ها می‌باشد. بر این اساس اگر با قاچاقچیان کلان و باندهای بزرگ - که گاه از امکانات عمومی دولت نیز برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند - برخورد نشود و قوانین صرفاً بر قاچاقچیان جزء اعمال گردد، سبب بی اعتبار شدن قانون و رواج قانون گریزی و ایجاد هرج و مرج در جامعه می‌گردد.

- بین نوع قاچاق و مجازات مربوط به آن رابطه منطقی و معقول وجود داشته باشد تا ضممن اطمینان از بازدارندگی از قاچاق، از برخورد یکسان با رفتارهای متفاوت که نوعاً ناشی از بی درایتی در وضع و تدوین قوانین است جلوگیری شود.

- قوانین موضوعه در باب قاچاق کالا، در بردارنده ضرورت‌ها و واقعیت‌های جامعه باشد. از قوانین اسلامی که در قرآن بدان تصریح شده و مورد اتفاق مذاهب می‌باشد، قاعده «اضطرار» است. براساس این قاعده انسان در صورت ضرورت می‌تواند، در حد رفع ضرورت از امور حرام و ناجایی استفاده کند. براین اساس، اگر در مناطقی، مردم به دلیل ضرورت معيشت و عدم وجود فرصت شغلی و برای رفع نیازهای مادی خود، اقدام به وارد کردن برخی از کالاهای نمایند، باید قانون برای این صنف از مردم، مجوز و یا تخفیفاتی در نظر بگیرد تا تشدد در اجرای عمومی قانون موجب فساد بزرگتر و تباہی بیشتر نگردد.

(*) بدیهی است که اصول و معیارهای دیگری برای قوانین مربوط به قاچاق کالا و ارز وجود دارد که نمونه‌های ذکر شده، بخشی از آن می‌باشد و رعایت همه‌جانبه قوانین

اسلامی می‌تواند تضمین‌کننده مبارزه با قاچاق کالا و ارز در راستای تحقق مصالح عمومی و اقتصادی پویا و امنیت ملی باشد.

۵. نتیجه‌گیری

مقاصد شریعت علمی است که با تلاش در کشف غایای احکام و حکمت تشریع قوانین الهی، ضمن تفسیر غایت مدارانه از احکام فقهی، تلاش برای فهم فلسفه احکام داشته تا از این رهگذر، مجال تطبیق کشف احکام مسائل مستحدث فراهم گردد. هدف از تدوین این علم آن است که در کنار علم دلالات الفاظ و طرق استنباط احکام که به جنبه ظاهری الفاظ و عبارات و شیوه تفسیر آنها می‌پردازد؛ به بیان اهداف شریعت و طبقه بندی آنها پرداخته تا مجتهد را در شناخت اولویت‌های جامعه یاری رساند و در تطبیق فقه در جامعه، مسائل غیر ضروری را بر مسائل مهم و بنیادین مقدم ندارد. بدین خاطر در مقاصد شریعت، مسائل فقه اسلامی در سه دسته ضروریات، حاجیات و تحسینیات دسته‌بندی شده و جایگاه هر کدام از این مباحث مشخص گشته است. برای تحقق اهداف مذکور، قوانین و راهکارهایی را که بدانها منجر می‌شوند را مکملات نامیده‌اند.

قاچاق کالا و ارز از پدیده‌هایی است که از نگاه اقتصادی معضلات متعددی را برای جامعه به وجود آورده و علاوه بر خارج کردن قسمت زیادی از دارایی‌های ملی، موجب بیکاری و رواج مصرف گرایی در کشور شده است. از نگاه مقاصد شریعت، قاچاق کالا را می‌توان بر اساس نوع کالا و تطبیق آن با مقاصد شریعت به صورت زیر مورد بررسی قرار داد:

- دسته نخست، کالاهایی هستند که از نگاه اسلام خرید و فروش آنها حرام بوده و به دلیل پیامدهای ناگوار و آسیب‌های متعدد، در اسلام تجارت آنها ممنوع اعلام شده است. قاچاق انسان، قاچاق مسروبات الكلی و قاچاق مواد افیونی و مخدر را می‌توان

در این دسته جای داد. این دسته از موضوعات به دلیل تعارض با ضروریات مقاصد شریعت و از بین بردن ضرورت حفظ جان، عقل و مال از نگاه اسلامی قابل پذیرش نبوده و حکومت اسلامی باید با وضع قوانینی با این گونه از قاچاق برخورد نموده و زمینه آن را از بین برد.

- دسته دوم کالاهایی هستند که از نگاه شرعی تجارت آنها جایز می‌باشد اما از نگاه قانونی، ممنوعیت و محدودیت تجاری دارند. کالاهایی همچون اسلحه، ارز، آثار ملی، آثار عقیقه و باستانی را می‌توان نمونه ای از این نوع دانست. تجارت این دسته از کالاهای از نگاه شرعی محدودیتی ندارد اما حاکم جامعه می‌تواند با استناد به حاجیات و در راستای حفظ ثروت ملی و ارز شهای تاریخی که در کنار ارزش مادی بالا، بیانگر هویت تاریخی یک ملت می‌باشد، قاچاق این دسته از کالاهای را ممنوع اعلام کرده و با وضع قوانین متعدد با قاچاق در این حوزه مبارزه نماید.

- دسته سوم کالاهایی هستند که از نگاه شرعی و قانونی محدودیتی برای تجارت آنها وجود ندارد. از مصادیق بارز این دسته را می‌توان به کالاهایی همچون: وسایل خانگی، وسایل صوتی و تصویری، پوشاسک و البسه، مواد غذایی و ... اشاره کرد. قانونگذار می‌تواند در راستای کمک به اقتصاد داخلی و ایجاد اشتغال ملی و تقویت تولید داخلی واردات این دسته از کالاهای را ممنوع کرده و مبنای ممنوعیت این صنف از کالاهای را می‌توان تحسینیات در مقاصد شریعت دانست؛ چون از لوازم یک جامعه مستقل و مترقب، استقلال آن در زمینه‌های متعدد می‌باشد که این امر از تحسینیات یک اجتماع می‌باشد.

- در باب مکملات نیز قانونگذار برای رسیدن به اهداف و مقاصد مذکور در سه قسم ضروریات، حاجیات و تحسینیات، باید قوانین متناسب با هر حوزه را وضع نماید ضمن آنکه در وضع قوانین باید توجه داشته باشد که برای مبارزه با پدیده قاچاق از نگاه مقاصد شریعت، هدف باید مصالح عمومی مردم باشد و مصالح صنفی بر مصالح عمومی مقدم

نگرددند که این امر و تداوم آن سبب بزرگتر شدن شکاف اقتصادی و افزایش فقر و بیکاری در جامعه می‌گردد. دیگر آنکه مصلحت و مفسدہ باید حقیقی و واقعی باشد، لذا جایز نیست قانونگذار برای مصالح غیرحقیقی مردم را از استفاده از امکانات و وسائل معیشتی بهتر محروم نماید. همچنین باید قوانین ضمانت اجرایی داشته و با همه قاچاقچیان به صورت قانونی برخورد شود. همچنین باید قانونگذار واقعیت‌های جامعه را در مبارزه با قاچاق کالا و ارز را در نظر داشته و قاچاقچیانی که به دلیل اضطرار و نبودن فرصت شغلی مناسب، به وارد کردن کالاهایی محدود اقدام می‌کنند را به صورت ویژه و بر اساس قوانین خاص مورد توجه قرار دهد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

١. دهخدا، علی اکبر(۱۳۳۹). *لغتname می دهخدا*. تهران. انتشارات سیروس.
٢. معین، محمد(۱۳۷۳). *فرهنگ معین* (پنجم). تهران. موسسه انتشارات امیرکبیر.

ب) منابع عربی

١. ابن اثیر، مجذال الدین مبارک بن محمد جزری (۱۳۹۹). *النها یہ فی غریب الحدیث و الأثر* (اول). تحقیق: طاهر احمد الزاوی و محمد محمد الطناحی. بیروت. المکتبه العلمیه.
٢. ابن بدران، عبدالقدار بن احمد (۱۴۰۱). *المدخل الی مذهب الإمام احمد بن حنبل* (دوم). تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن الترکی. بیروت. مؤسسه الرساله.
٣. ابن تیمیه، تقی الدین احمد بن عبدالحليم حرانی (۱۴۱۶). *مجموع الفتاوی* (اول). تحقیق: عبدالرحمان بن محمد بن قاسم. مدینه. مجمع ملک فهد لطبعه المصحف الشريف.
٤. ابن حاچب، عثمان بن عمر بن ابیکر (۱۴۰۳). *مختصر ابن الرحا حب* (مختصر المتنی) (دوم). بیروت. دار الكتب العلیمه.
٥. ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد (۱۴۲۵). *بدایہ المجتهد و نهایہ المقتضى*. قاهره. دار الحدیث.
٦. ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد قرطبی الجد (۱۴۰۸). *البيان والتحصیل والشرح والوجیہ والتعلیل لمسائل المستخرجه* (دوم). تحقیق: محمد حجی و همکاران. بیروت. دار الغرب الإسلامی.
٧. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۷۸). *مقاصد الشريعة الإسلامية*. تونس. مصنوع الكتاب التونسيه.
٨. ابن فارس، احمد بن فارس رازی (۱۳۹۹). *معجم مفاسیس اللّغة*. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. دار الفكر.
٩. ابن قدامه، موفق الدین عبدالله بن احمد (بی تا). *المغنى*. قاهره. مکتبه القاهره.

١٠. ابن قيم، محمد بن ابوبكر بن ايوب (ابن جوزى) (١٤١١). *إعلام الموقعين عن رب العالمين* (اول). تحقيق: محمد عبدالسلام ابراهيم. بيروت. دار الكتب العلميه.
١١. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤). *لسان العرب* (سوم). بيروت. دار صادر.
١٢. ابن همام سيواسي، كمال الدين محمد بن عبد الواحد (١٤٢١)، التحرير فى اصول الفقه مع التقرير والتحبير (دوم). مصر. مطبعه مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
١٣. ابونعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله (٢٠٠٦). *الطب النبوى* (اول). تحقيق: مصطفى خضر دونمز التركى. دار ابن حزم
١٤. أرموى، سراج الدين محمود بن ابوبكر (١٤٠٨). *التحصيل من المحصول* (اول). تحقيق: عبدالحميد على ابى زيند. بيروت. مؤسسه الرساله.
١٥. اسنوى، عبدالرحيم بن حسن بن على (١٤٠٠). *التمهيد فى تخریج الفروع على الأصول* (اول). تحقيق: محمد حسن هيتو. بيروت. مؤسسه الرساله.
١٦. اشعرى، ابوالحسن على بن اسماعيل (١٤٢٦). *مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين* (اول). تحقيق: نعيم زرزور. المكتبه العصرية.
١٧. آمدى، ابوالحسن على بن ابى على (بى تا). *الإحكام فى أصول الأحكام*. تحقيق: عبدالرازاق عفيفى. بيروت. المكتب الإسلامي.
١٨. بابرتى، ابوعبد الله محمد بن محمد (بى تا). *العنایہ شرح الهدایہ*. بيروت. دار الفكر.
١٩. بهوتى، منصور بن يونس (بى تا). *كشاف القناع عن متن الإقناع*. بيروت. دار الكتب العلميه.
٢٠. بيضاوى، ناصرالدين عبدالله بن عمر (١٤١٨). *منهج الوصول الى علم الأصول* (اول). بيروت. دار الكتب العلميه.
٢١. جرجانى، على بن محمد (١٤٠٣). *التعريفات* (اول). بيروت. دار الكتب العلميه.
٢٢. جوهرى، ابونصر اسماعيل بن حماد (١٤٠٧). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية* (چهارم). تحقيق: احمد عبدالغفور عطار. بيروت. دار العلم للملايين.
٢٣. جوينى، امام الحرمين عبدالملك بن عبدالله (١٤١٨). *البرهان فى اصول الفقه* (اول). تحقيق: صلاح بن محمد بن عويضه. بيروت . دار الكتب العلميه.

٢٤. رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر (١٤١٨). **المح صول فی علم الأصول** (سوم). تحقيق: طه جابر العلوانى. بيروت. مؤسسه الرساله.
٢٥. رملی، شمس الدين محمد بن ابوالعباس (١٤٠٤). **نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج**. بيروت. دار الفكر.
٢٦. زبیدی، محمد بن محمد (بی تا). **تاح العروس من جواهر القاموس**. تحقيق: مججموعه ای از محققان. دار الهدایه.
٢٧. زركشی، بدر الدين محمد بن عبدالله (١٤١٤). **البحر المحيط فی اصول الفقه** (اول). دار الكتبى.
٢٨. سبکی، تقی الدین علی بن عبدالكافی (١٤١٦). **الإیهاج فی شرح المنهاج**. بيروت. دار الكتب العلمیه.
٢٩. شاطبی، ابراهیم بن موسی بن محمد (١٤١٧). **المواقفات** (اول). تحقيق: ابوعبدیده مشهور بن حسن آل سلمان. دار ابن عفان.
٣٠. شافعی، ابوعبد الله محمد بن ادريس (١٤١٢). **الأم**. بيروت. دار المعرفه.
٣١. شوکانی، محمد بن علی بن محمد (١٤١٩). **إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول** (اول). تحقيق: احمد عزو عنایه. دار الكتاب العربي.
٣٢. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (١٤١٣). **المستصفی من علم الأصول** (اول). تحقيق: محمد عبدالسلام عبدالشافی. بيروت. دار الكتب العلمیه.
٣٣. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا). **العين**. تحقيق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی. دار و مکتبه الہلال.
٣٤. فیروزآبادی، ابوطاهر محمد بن یعقوب (١٤٢٦). **القاموس المحيط (هشتم)**. بيروت. مؤسسه الرساله.
٣٥. همو (بی تا). **بصائر ذوى التمييز فی لطائف الكتاب العزيز**. تحقيق: محمد علی النجار. قاهره. لجنه إحياء التراث الإسلامی.
٣٦. فیومی، احمد بن محمد (بی تا). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير**. بيروت.

المكتبة العلمية.

٣٧. قرطبي، أبو عبدالله محمد بن احمد (١٣٨٤). **الجامع لأحكام القرآن** (دوم). تحقيق: احمد البردونى و ابراهيم اطفيفش. الجامع لأحكام القرآن. قاهره. دار الكتب المصرية.
٣٨. قطب، سيد (١٤١٢). **فسي ظلال القرآن** (هفذهم). بيروت - قاهره. دار الشروق.
٣٩. كاسانى، علاء الدين ابوبكر بن مسعود (١٤٠٦). **بدائع الصنائع ففي ترتيب الشرائع** (دوم). بيروت. دار الكتب العلمية.
٤٠. نووى، ابوزكريا محيى الدين يحيى بن شرف (١٤١٢). **روضه الطالبين و عمده المفتين** (سوم). تحقيق: زهير الشاويش. بيروت. المكتب الإسلامي.

ج) منابع حقوقى و قانونى

١. قانون اصلاح انحصار دخانيات مصوب آبان ١٣١١.
٢. قانون اصلاح قانون انحصار تجارت خارجي مصوب تير ١٣١١.
٣. قانون الحق ماده ١٢٧ مكرر به قانون مجازات عمومي مصوب تير ١٣٤٧.
٤. قانون تشديد مجازات قانون قاچاق اسلحه و مهمات قاچاقچيان مسلح مصوب بهمن ١٣٥٠.
٥. قانون تشديد مجازات مرتكبين جرائم مربوط به مواد مخدر مصوب شورای عالي انقلاب فرهنگي ١٣٥٩.
٦. قانون راجع به حفظ آثار ملي مصوب بهمن ١٣١٩.
٧. قانون مبارزه با قاچاق كالا و ارز مصوب دي ماه ١٣٩٢.
٨. قانون مجازات اسلامي مصوب ١٣٧٥.
٩. قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غير مجاز از مزهای کشور مصوب مهر ١٣٦٧.
١٠. قانون مجازات مرتكبين قاچاق مصوب اسفند ماه ١٣١٢.
١١. قانون نحوه اعمال تعزيزات حکومتی راجع به قاچاق كالا و ارز مصوب اردیبهشت ١٣٧٤.

